سرمایه اجتماعی : مفاهیم اصلی و چارچوب نظری

دکتر مریم شریفیان ثانی *

چکیده

در سالهای اخیر شاهد ورود واژه سرمایه اجتماعی در گفتمان ها و اسناد علمی در قلمرو های جامعه شناسی ، علوم اجتماعی ، اقتصاد و اخیراً نیز علوم سیاسی بوده ایم . توجیه این تمرکز بر مقوله سرمایه اجتماعی مبتنی بر نقشی است که سرمایه اجتماعی در تولید و افزایش سرمایه های انسانی ، اقتصادی و محیطی ایفا می کند . سرمایه اجتماعی به عنوان عاملی برای موفقیت در برنامه های رفاه اجتماعی [illegible]مت اجتماعی مورد بحث قرار می گیرد و به همین دلیل نیز امروزه در بررسی و تدوین شاخص های اجتماعی و توسعه توسط سازمانهای معتبر جهانی ،[illegible]یگاه خاصی را به خود اختصاص داده است .

این مقاله که بر اساس مطالعه ای گسترده بر روی روز آمدترین و معتبرترین منابع مرتبط با موضوع سرمایه اجتماعی تهیه شده است ، با تعریف سرمایه اجتماعی و ابعاد مختلف آن آغاز می شود ، به مفاهیم مشترک در تعاریف متفاوت سرمایه اجتماعی می پردازد بحث را ظبا اشاره ای به تفاوت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی پیش می برد و آنگاه به طرح چارچوب نظری بحث سرمایه اجتماعی می پردازد و در پایان ، رابطه سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی را با تاکید بر عامل اعتماد مورد بحث قرار می دهد .

---

* دکتر در علوم اجتماعی (پژوهش) ، استادیار ، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

مقدمه

بسیاری از افراد با واژه سرمایه اجتماعی[۱] آشنا نیستند . در زبان روزمره بیشتر در مورد بافت اجتماعی[۲] صحبت می شود تا سرمایه اجتماعی . بنابراین ، سرمایه اجتماعی چیست ؟ عناصر تشکیل دهنده آن کدامند ؟

سرمایه اجتماعی را ماده خام جامعه مدنی دانسته اند . این سرمایه از تعامل های هر روزه بین افراد به وجود می آید . این سرمایه ، به تنهایی در فرد یا ساختار اجتماعی نهفته نیست ، بلکه در فضای تعامل های بین افراد وجود دارد . مایملک سازمان ، بازار و یا دولت نیست ، هر چند که همه آنها در تولید آن سهیم هستند (بولن و انیکس ، ۱۹۹۸) .سرمایه اجتماعی پدیده ای از پائین به بالاست[۳].

سازمانهای ارائه دهنده خدمات رفاهی و اجتماعی باید بدانند که سرمایه اجتماعی چیست ، از مطالعات مرتبط با خبر باشند و کاربردهای آنرا در خدمات خود به خصوص در خدماتی که در سطح اجتماعات محلی[٤] ارائه می شود به خوبی بشناسند .

سرمایه اجتماعی چیست ؟

سرمایه اجتماعی به گونه های مختلف توسط پژوهشگران متفاوت تعریف شده است (جاکوب ، ۱۹٦۱ ؛ کلمن ؛ ۱۹۹۸ ؛ بوردو ، ۱۹۸٦ ؛ پوتنام ، ۱۹۹۵ ؛ کاکس ، ۱۹۹۵؛ ول کاک ؛ ۱۹۹۷ پورتز ؛ ۱۹۹۸ ؛ فوکویاما ، ۱۹۹۹ ؛ پاکستون ، ۱۹۹۹) . با جمع‌بندی نظرات ابراز شده می توان سرمایه اجتماعی را : مجموعه ای از شبکه ها ، هنجارها ، ارزشها و درکی دانست که همکاری درون گروهها و بین گروهها را در جهت کسب منافع متقابل ، تسهیل می کند.

این سرمایه را غالباً با نرخ مشارکت افراد در زندگی جمعی و وجود عامل اعتماد در بین آنان بیان می کنند.

گزارش اخیر سازمان همکاری های اقتصادی و توسعه (او . ای . سی . دی، ۲۰۰۱) جمله بهبود سلامت ، خشنودی بیشتر ، مراقبت بهتر از کودکان ، جرائم کمتر و

---

۱. Social capital
۲ . Social fabric
۳. Bottom - up
٤.Community level

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

برخورداری از حکومتی بهتر در ارتباط می بیند . به طور مثال به تحقیقی اشاره شده است که نشان می دهد ، پیوندهای اجتماعی موجب کاهش خطر ابتلا به بیماری آلزایمر می شود و یا پیوندهای اجتماعی مادران ، خطر کودک آزاری و مشکلات اجتماعی در بین کودکان و نوجوانان را کاهش می دهد و یا اینکه وجود اعتماد در همسایگی ، با نرخ کمتر وقوع جرم همراه است .

در بررسی دیگری (لدمن و دیگران ، ۱۹۹۹) گفته شده است که ارزشها و هنجارهای مشترک می تواند سطح خشونت در جامعه را کاهش دهد یا پائین نگه دارد و در نتیجه از وقوع جرم و خشونت پیشگیری کند . این تحقیق در ۳۹ کشور توسعه یافته و در حال توسعه انجام شده است .

سرمایه اجتماعی در خانواده باعث فراهم آوردن شبکه حمایت برای اعضای خانواده می شود که در مواقع فقر و بیکاری به کمک می آید . این حمایت می تواند مصرف مواد مخدر و خشونت خانگی را که به رفتارهای خشونت بار در جامعه می انجامد نیز کاهش دهد. این ارتباط دو سویه است ، یعنی علاوه بر زیانی که جرم و خشونت بر سلامت و اقتصاد جامعه وارد می آورد ، هزینه مستقیمی نیز برای سرمایه اجتماعی در بر دارد (موسر و هلند ، ۱۹۹۷) عواقب چنین وضعی به شکلهای مختلف چهره می نماید :

- نارضایتی و مهاجرت طبقه متوسط شهری
- کاهش دسترسی به خدمات اجتماعی
- افزایش خانواده های کژ رفتار
- ایجاد فضای ترس و وحشت که جایگزین روح همکاری و مشارکت در زندگی اجتماعی می شود .

رابطه سرمایه اجتماعی با بهداشت نیز ثابت شده است . از سال ۱۹۰۱ که رابطه بین نرخ خودکشی و یکپارچگی اجتماعی توسط امیل دورکیم تشخیص داده شد ، تحقیقات نشان داده است که سرمایه اجتماعی بالاتر و انسجام اجتماعی بیشتر[1] ، به بهبود شرایط بهداشت جامعه کمک می کند (کاواچی و دیگران ، ۱۹۹۷ ؛ بام ، ۱۹۹۷) کاواچی و دیگران (۱۹۹۷) در تحقیقات خود نتیجه می گیرند ، اعتمادی که در شبکه های رسمی و غیر رسمی وجود دارد ، به مردم کمک می کند تا :

---

۱. Social cohesion

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

- به آموزش بهداشت و اطلاعات دسترسی یابند .
- نظام های بهتری از ارائه مراقبت بهداشتی را طراحی کنند .
- برای ساختن زیر بناهای بهداشتی و اصلاح آن ، به طور جمعی اقدام کنند .
- تلاشهای پیشگیری را ارتقا دهند .
- هنجارهای فرهنگی را مطرح کنند که برای ارتقای بهداشت تعیین کننده است.

می دانیم که مراقبت بهداشتی از طریق حکومت (تمهیدات عمومی)، بازار (تمهیدات خصوصی) یا خانواده و اجتماع (تمهیدات داوطلبانه) و یا مجموعه‌ای از اینها فراهم می شود . سرمایه اجتماعی در بین هر گروه از فراهم آورندگان می تواند بازده سلامت را بهبود بخشد ، زیرا افراد جامعه از کسانی که مورد اعتمادشان هستند ، حرف شنوی بهتری دارند .

در گزارش سازمان همکاریهای اقتصادی و توسعه (او ، ای ، سی ، دی ، ۲۰۰۱) نیز آمده است که بر اساس تحقیقات انجام شده ، مناطق یا ایالاتی که از سطح بالاتری از اعتماد و مشارکت برخوردارند ، معمولاً حکومتهایی با کیفیت بالاتر دارند .

مسأله اعتماد بین مردم و حکومت یکی از مباحث قابل توجه در ایجاد سرمایه اجتماعی است که بعداً نیز ، در همین مقاله به آن خواهیم پرداخت .

تحقیقات نشان داده است (لیچر و دیگران ، ۱۹۹٤) که دارایی کودک از سرمایه اجتماعی خانواده و جامعه ، احتمال ترک تحصیل وی را کاهش می دهد . کلمن (۱۹۸۸) نیز رابطه سرمایه اجتماعی در خانواده و موفقیت تحصیلی دانش آموزان را مورد توجه قرار داده است .

مفاهیم مشترک در تعاریف سرمایه اجتماعی

با مروری بر تعاریف مختلف سرمایه اجتماعی در متون علمی که طی سالهای اخیر منتشر شده است ، به مفاهیم مشترکی بر می خوریم که در نظریه پردازی سرمایه اجتماعی از آن استفاده می شود . برخی از این مفاهیم عبارتند از : مشارکت در شبکه‌ها، بده بستان بین افراد[۱] ، اعتماد[۲]، هنجارهای اجتماعی[۳] ، استفاده از منابع مشترک[٤] ، کنشگرایی[٥].

۱.Reciprocity
۲.Trust
۳.Social norms
٤.Commons
٥.Proactivity

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

بر اساس تحقیقی که ، به منظـور انـدازه گـیری سـرمایه اجتمـاعی در پنـج اجتمـاع مختلف در استرالیا انجام شده است (بولن و انیکس ؛ ۱۹۹۹) ، ۸ عنصر معرف سـرمایه اجتماعی شناسایی می شود :

- مشارکت در اجتماع محلی
- کنشگرایی در یک موقعیت اجتماعی
- احساس اعتماد و امنیت
- پیوندهای همسایگی
- پیوند های دولتی و خانوادگی
- ظرفیت پذیرش تفاوتها [۱]
- بها دادن به زندگی
- پیوندهای کاری

از موارد فوق ، چهار مورد : مشـارکت در اجتمـاع محلـی ، پیوندهـای همسـایگی ، پیوندهای خانوادگی و پیوندهای کاری ، به مشـارکت و پیوندهـا مربـوط مـی شـوند و چهار مورد دیگر یعنی: کنشگرایی در یک موقعیت اجتماعی ، احساس اعتماد و امنیت ، ظرفیت پذیرش تفاوتها و بها دادن به زندگی ، سنگ بنای سرمایه اجتماعی هستند .

سرمایه اجتماعی ، یکی از اجزای ثروت ملتها و توسعه پایدار

یکی از نظریه پردازی هـای نسـبتاً متفـاوت از توسـعه پـایدار، بـر اسـاس دیـدگـاه چهار نوع سرمایه از سـوی بـانک جـهانی ارائـه شـده اسـت (پـیرس ، ۱۹۹۳ ؛ بـانک جـهانی ، ۱۹۹۷ در کمیسـیون اروپـا ، ۲۰۰۰) .

توسعه پایدار با توجه به ثروت ملـل نظریـه پـردازی مـی شـود و بـه معنـی حفـظ یا غنا بخشیدن به ثـروت بـرای نسـلهای آینـده اسـت .

دیـدگـاه بـانک جـهانی ، بیـن چـهار جـزء تشـکیل دهنـده ثـروت ملـت هـا تمایز قائل مـی شـود:

سـرمایه طبیعـی : موجـودی دارائـی هـای محیطـی مثـل زمیـن ، آب ، جنگـل ، معادن ، گیاهان و جانوران که به بُعـد محیطـی توسـعه پـایدار مربـوط مـی شـود .

سـرمایه تولیـد شـده یـا دسـت سـاز بشـر : موجـودی ماشـین آلات ،

۱.Tolerance of diversity

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

کارخانه ها ، ساختمانها و تجهیزات زیر بنایی ، مثل خطوط راه آهن و جاده ها که بر بعد اقتصادی توسعه پایدار دلالت دارند .

سرمایه انسانی : ظرفیتهای سازنده افراد که بر مهارت ، آموزش و بهداشت مبتنی است و همراه با سرمایه اجتماعی ـ بعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می دهد .

سرمایه اجتماعی : شبکه ها ، انجمن ها و موسساتی که با هنجارهای مشترک و روابط متکی بر اعتماد شکل می گیرند و همکاری را تسهیل می کنند .

از این دیدگاه ، سرمایه اجتماعی جزئی تفکیک ناپذیر از مجموعه ثروت یک ملت است که در چارچوب نظریه توسعه پایدار ، ایجاد و حفظ آن و غنا بخشیدن به آن برای استفاده نسل آینده ، از اهدافی است که توسعه پایدار ملزم به پیگیری آن است .

نکته ای که یادآوری آن در این بحث مفید به نظر می رسد ، تفاوت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی است . هر چند که این دو نوع سرمایه در کنار یکدیگر بعد اجتماعی توسعه پایدار را تشکیل می دهند ، اما نمی توانیم در بحثهای علمی خود آنها را به جای یکدیگر به کار گیریم ، زیرا تفاوت های عمده ای از جمله در محاسبه داده‌ها و اندازه گیری بازده خود دارند .

تفاوت بین سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی

شولر (۱۹۹۶) تفاوت سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی را در موارد زیر دسته‌بندی می کند :

- سرمایه انسانی بر عامل فردی تکیه دارد ، در حالی که سرمایه اجتماعی بر شبکه‌ها و روابط بین آنها متکی است .
- سرمایه انسانی فرض را بر منطق اقتصادی و شفاف بودن اطلاعات قرار می‌دهد ، در حالی که سرمایه اجتماعی ارزیابی خود را از دیدگاه ارزشها و هنجارهایی می نگرد که به طور اجتماعی شکل گرفته اند .
- سرمایه انسانی داده ها را بر اساس سالهای آموزش یا تعداد مهارتهای افراد اندازه گیری می کند ، اما سرمایه اجتماعی استحکام تعهدات دو جانبه بین افراد و گروهها و مشارکت مدنی را مبنای اندازه گیری قرار

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

می دهـد .

- سـرمایه انسـانی ، بـازده را بـر اسـاس درآمـد فـرد و یـا سـطوح بـهره وری اندازه گیری مـی کنـد ، در حـالی کـه سـرمایه اجتمـاعی بـازده را بـر اسـاس کیفیت زندگی[۱] مورد سـنجش قـرار مـی دهـد .

تاکید بـر اسـتحکام تعـهدات دو جانبـه بیـن افـراد و گروهـها و مشـارکت مدنـی ، بـرای انـدازه‌گـیری داده هـای سـرمایه اجتمـاعی و انـدازه گـیری بـازده بـر اسـاس متغیرهای کیفیت زندگـی نکتـه قـابل توجـهی اسـت کـه ارتبـاط سـرمایه اجتمـاعی را با اصلی ترین هدف برنامـه هـای توسـعه و ارتقـای شـاخص هـای اجتمـاعی ، یعنـی بهبود کیفیت زندگی نشـان مـی دهـد .

نقـش سـرمایه اجتمـاعی در تشـکیل سـرمایه انسـانی را نـیز اولیـن بـار کلمن (۱۹۸۸) مـورد بحـث قـرار داد .

نظریه های مختلف سرمایه اجتماعی

یکی از متقدمان طرح نظریه سرمایه اجتماعی را هنی فـن[۲] مـی داننـد کـه در سـال ۱۹۲۰ این واژه را مطرح کرد و آنرا شامل دارائی هایی می دانست که در زندگی روزانـه افراد خیلی به حساب می آیند ، همانند حسـن تفـاهم[۳] ، رفـاقت و دوسـتی ، احسـاس همدردی[٤] و روابط اجتماعی در بین افراد وخانواده هـایی کـه یـک واحـد اجتمـاعی را تشکیل می دهند (فلدمن و اساف ، ۱۹۹۹). نکته قابل توجـه اینکـه ، نظریـه هنـی فـن برای نیم قرن مسکوت ماند تا در سال ۱۹٦۱ جاکوب[۵] در اثر خود بـه نـام " زنـدگـی و مرگ شهرهای بزرگ آمریکائی" ، از سرمایه اجتماعی بحث کرد و نقش آنـرا در ارتبـاط با حفظ نظافت ، برخورد با جرم وجنایت خیابانی در محـدوده هـای حومـه و قدیمـی شهری مطرح کرد . پی یر بـوردو[٦] و پسـرون[۷] در سـال ۱۹۷۰ ، گلـن لـوری[8] در سـال ۱۹۷۷، در آثار خود به بحث در مورد سـرمایه اجتماعی پرداخته اند . در طول ۱۰-۱۵ سال گذشته ، رابرت پوتنام[۹] و جیمز کلمن[۱۰] ،به واژه سـرمایه اجتمـاعی اعتبـار و آوازه فراوان بخشیده اند.

۱.Quality of life
۲.Hanifan
۳.Goodwill
٤.Sympathy
۵.Jacobs
٦.Pierre Bourdieu
۷.Passeron
۸.Glenn Loury
۹.Robert Putnam
۱۰.James Coleman

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

پوتنام (۱۹۹۳ در فلدمن و اساف ؛۱۹۹۹) سرمایه اجتماعی را به عنوان مجموعه‌ای از ارتباط های افقی بین افراد می بیند که همکاری در جهت کسب منافع متقابل را در اجتماع تقویت می کند . کلمن (۱۹۸۸) نظریه عمومی تری از سرمایه اجتماعی را مطرح می کند که در آن همکاری های عمودی هم پوشش داده می شود. از نظر کلمن ، سرمایه اجتماعی نشان می دهد که چگونه ساختار اجتماعی یک گروه می تواند به عنوان منبعی برای افراد آن گروه عمل کند . وی اعتماد ، اطلاعات ، اختیار و تعهد در یک گروه را لازمه سرمایه اجتماعی می داند . کلمن دو عامل را در شکلهای مختلف سرمایه اجتماعی مشترک می داند: همه آنها جنبه هایی از ساختار اجتماعی را در بر می گیرند و همه آنها انجام اقدام خاصی را توسط عاملان آن تسهیل می کنند .

سومین و جدیدترین دیدگاه توسط داگلاس نورث[1] در سال ۱۹۹۰ ابراز شده است که روابط رسمی و ساختارهایی مانند نهادهای در سطح کلان از جمله حکومت ، رژیم سیاسی ، سیاستهای حقوقی و نظام دادخواهی را در تعریف خود وارد می کند (نورث، ۱۹۹۰ ، در فلدمن و اساف ، ۱۹۹۹). آنچه که از مرور این نظریه ها نتیجه می شود ، تشخیص سطوح مختلفی است که دانشمندان متفاوت ، برای بررسی سرمایه اجتماعی در چارچوب نظری مشخص ، مطرح می کنند.

سطوح مختلف بررسی در چارچوب نظری سرمایه اجتماعی

در یکی از مطالعاتی که اخیراً انجام شده است ، سه سطح مختلف برای این بررسی شناسایی می شود (ایمرفال ، ۱۹۹۹ در کمیسیون اروپا ، ۲۰۰۰ ، ص ۱۹) :

- سطح روابط بین افراد ، مانند خانواده ، دوستان و همسایگان
- سطح انجمن ها و سازمانهای واسطه ، مانند عضویت باشگاهها ، شرکت ها و احزاب سیاسی .
- نهادهای اجتماعی در سطح کلان .

چارچوب نظری برای سنجش سرمایه اجتماعی در دو سطح خرد و کلان نیز مورد توجه قرار گرفته است (نورث ، ۱۹۹۰ در فلدمن واساف ، ۱۹۹۹) سطح کلان، روابط و ساختارهای رسمی مانند قوانین ، مقررات ، چارچوبهای حقوقی ، رژیم سیاسی ، سطح عدم تمرکز و سطح مشارکت در فرایند شکل گیری سیاسی را شامل می شود

۱.Douglas North

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

(بین وهیکس ، ۱۹۹۸) . در چارچوب نظری که این دانشمندان برای سطوح و انواع سرمایه اجتماعی پیشنهاد می کنند ، سطح خرد به نقش بالقوه ای اشاره دارد که سازمانهای افقی و شبکه های اجتماعی در توسعه جوامع دارند . در درون سطح خرد ، دو نوع سرمایه اجتماعی مورد شناسایی قرار می گیرد : سرمایه اجتماعی شناختی و سرمایه اجتماعی ساختاری.

آن قسمت از سرمایه اجتماعی که کمتر قابل لمس است و به ارزشها ، اعتقادات ، طرز تلقی ها ، رفتار و هنجارهای اجتماعی اشاره دارد ، سرمایه اجتماعی شناختی نامیده می شود . این ارزشها شامل : اعتماد ، همبستگی و اتفاق نظر و بده بستان[۱] است که در بین اعضای یک اجتماع مشترک می باشد و شرایطی را به وجود می آورند که تحت آن شرایط ، اجتماعات مختلف می توانند برای رسیدن به فایده ای مشترک ، باهم کار کنند .

سرمایه اجتماعی ساختاری شامل تشکل و عملکرد سازمانهای رسمی و غیر رسمی محلی می شود که به عنوان ابزاری در جهت توسعه اجتماع خدمت می کنند . سرمایه اجتماعی ساختاری ، از طریق سازمانهای افقی و شبکه هایی شکل می گیرد که فرایندهای تصمیم گیری شفاف و جمعی[۲] ، رهبران پاسخگو[۳] و تجارب عملی از اقدام جمعی و مسوولیت متقابل دارند .

تا کنون ابزارهای ارزشیابی سرمایه اجتماعی نیز عملاً به اندازه گیری شاخص های بر شمرده در سطح خرد پرداخته اند .

ارتباط سازنده بین سطح کلان و خرد سرمایه اجتماعی از اهمیت بسیاری بر خوردار است و نبود این ارتباط منجر به درهم ریختن اعتماد می شود که اصلی ترین عنصر تشکیل دهنده سرمایه اجتماعی است .

نارایان[۴] در چار چوب تجزیه و تحلیلی که در سال ۱۹۹۹ طراحی کرده است، بین سرمایه اجتماعی در سطوح مختلف تمایز قائل می شود و بر اساس عملکرد کلی موسسات دولتی (قوی در برابر ضعیف) که سطح سوم را در چار چوب پیشنهادی نارایان تشکیل می دهد و تراکم پیوندهای بینابینی گروهها[۵] (کم در مقابل زیاد) که از نظروی نوع دوم سرمایه اجتماعی است ، چهار نوع جامعه را مشخص می کند و آنها را

۱.Solidarity and reciprocity
۲.Collective and transparent decision making processes
۳.Accountable leaders
۴.Narayan
۵.Density of cross - cutting ties

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

با عبارات رفاه[۱] ، مستثنا سازی[۲] ، کنار آمدن[۳] و تعارض[٤] ، از یکدیگر متمایز می سازد. به طور مثال ، در جامعه ای که عملکرد کلی موسسات دولتی قوی است و پیوند بینابینی گروهها نیز زیاد است ، معرف جامعه ای است که با رفاه مشخص می شود . مستثنا سازی ، مشخصه جامعه ای می باشد که در آن عملکرد موسسات دولتی قوی است ، ولی سرمایه اجتماعی بین گروهها که نارایان آنرا سرمایه اجتماعی پیوند دهنده[٥] می نامد ،کم است . به اعتقاد نارایان در این نوع جامعه ، گروههای اجتماعی مقتدر ، با مستثنا کردن سایر گروهها ساختارهای حکومتی را مسلط می کنند .

دولتهای غیر کار آمد با عملکرد ضعیف و اما پیوندهای قوی بین گروههای اجتماعی، معرف جامعه ای هستند که با کنار آمدن و تحمل کردن مشخص می شود . در این جامعه ، گروههای غیر رسمی جایگزین نهادهای رسمی می شوند . نارایان (۱۹۹۹) ، جوامعی با عملکرد ضعیف موسسات دولتی و گروههای اجتماعی منزوی را با ویژگی تعارض مشخص می کند .

سرمایه اجتماعی ، اعتماد و مشکلات اجتماعی

سرمایه اجتماعی در مورد مدینه فاضله سخن نمی گوید ، جهان ایده آلی که همه ما خوب هستیم و رفتارمان مناسب است ، بلکه در مورد اندازه گیری کیفیت روابطی بحث می کند که امکان دارد رفاه را افزایش یاکاهش دهند (کاکس ، ۱۹۹۷) ؛ سرمایه اجتماعی در سطح فرد قابل اندازه گیری نیست ، بلکه از روابط و انتظارات تشکیل می شود و از طریق روابط اجتماعی ، انباشت یا پراکنده می شود . کاکس می افزاید که اگر به یکدیگر اعتماد داشته باشیم ، روابط ما با خانواده ، دوستان ، همسایگان ، همکاران ، بیماران ، مراقبان بهداشت ، هم گروهی ها و اجتماعات مختلف موثرتر می شود . هر جامعه ای که اعضای غیر قابل اعتماد زیادی دارد که فاقد تجارب و انتظارات مثبت هستند ، در مورد پیروی از قوانین ، جرم ، خودکشی ، خشونت ، شرایط بهداشتی و سایر شاخصهای اجتماعی مشکلات اساسی دارد . کاکس در بحثهای خود نتیجه می گیرد که اگر جامعه ای با مشکلات اجتماعی[٦] متعددی دست به گریبان است ، سطح سرمایه اجتماعی در کل جامعه یا در بین گروههای فرعی خاصی پایین است .

۱.Well – being
۲.Exclusion
۳.Coping
٤.Narayan
٥.Bridging social capital
٦.Social problems

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

فوکویاما (۱۹۹۷) نیز به ارتباط سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره ای مستقیم دارد و یکی از راههای اندازه گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحرافات اجتماعی از قبیل میزان جرم و جنایت ، فروپاشی خانواده ، مصرف مواد مخدر ، طرح دعاوی ، خودکشی ، فرار از پرداخت مالیات و سایر مشکلات اجتماعی می داند . به عبارت دیگر ، وجود مشکلات اجتماعی مختلف را نشانه ای از نبود سرمایه اجتماعی می شناسد و در واقع این روش را جایگزین سنجش و اندازه گیری سرمایه اجتماعی به عنوان یک ارزش مثبت می داند .

بحث از اعتماد و اهمیت آن نیز در تحقیقات فوکویاما از جایگاه ویژه ای برخوردار است . وی سرمایه اجتماعی را " *ذخیره جامعه از ارزشهای مشترک* " می داند .

براون و اشمن (۱۹۹۶) نیز ارتباط مشارکت ، سرمایه اجتماعی و حل مسائل در سطح بین بخشی را مورد بررسی قرار می دهند . کاکس (۱۹۹۹) هم با تاکید بر اهمیت عامل اعتماد در شکل گیری سرمایه اجتماعی ، این نکته را مطرح می سازد که خیلی مشکلتر است که جماعتی را متقاعد کنیم تا سبک زندگی سالمتری را پیش بگیرند ، اگر پیام از سوی افرادی باشد که اعتماد زیادی نسبت به آنها وجود ندارد . سطح پایین اعتماد موجب رفتار ضد اجتماعی می شود . اعتماد برای پذیرش قوانین لازم است . کاکس اعتقاد دارد که وقتی تمرکز بر تغییر رفتار گروههای فرعی در درون یک گروه مشخص است ، تغییر در رفتار محتمل نیست مگر درجه ای از اعتماد اجتماعی و مدنی وجود داشته باشد ، در غیر این صورت ، منابع اختیار و قدرت از هیچ گونه اختیار و احترامی برخوردار نخواهند بود که به آن متکی باشند .

بنابراین ، متوجه می شویم که کمیت و کیفیت اعتماد در هر جامعه ای نقش کلیدی در میزان سرمایه اجتماعی آن جامعه دارد . با در نظر داشتن رابطه سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی که به آن اشاره شد ، شناسائی اشکال مختلف تبلور این عامل ، یعنی اعتماد در سطح خرد و کلان می تواند به غنای منابع سرمایه اجتماعی مثل خانوادهها، اجتماعات مختلف ، واحد های کوچک کاری و جامعه مدنی بینجامد و در نتیجه افزایش سرمایه اجتماعی نیز شاهد بروز تعداد کمتری از مشکلات و انحرافات اجتماعی باشیم .

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

جمع بندی بحث

استفاده رو به گسترش از واژه سرمایه اجتماعی و بحث در مورد آن در قلمروهای مختلف علوم اجتماعی ، اقتصاد و علوم سیاسی ، بحثهای توسعه پایدار و طراحی نظام های مربوط به تدوین شاخص های اجتماعی توسط سازمانهای تخصصی جهانی طی سالهای اخیر ، حاکی از پذیرش نقش اجتناب ناپذیر این نوع سرمایه و لزوم بررسی و اندازه گیری آن در کنار سایر انواع سرمایه های طبیعی ، فیزیکی و انسانی به منظور افزایش کیفیت زندگی ، رفاه اجتماعی و تحقق توسعه پایدار در جوامع مختلف است . اما سرمایه اجتماعی چیست ؟ ابعاد مختلف و مفاهیم اساسی آن کدام است ؟ سرمایه اجتماعی چه تفاوتی با سرمایه انسانی دارد ؟ سرمایه اجتماعی در کدام چارچوب نظری مورد بحث و تجزیه و تحلیل قرار می گیرد ؟ و در نهایت ، چه رابطه‌ای بین سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی وجود دارد ؟ در این مقاله سعی شد تا با استفاده از نتایج بررسی گسترده ای که بر روی اسناد و مدارک نظری و یافته های پژوهشی محققان معتبر جهانی در زمینه مورد بحث انجام گرفت ، به پرسشهای فوق به اجمال پاسخ داده شود . امید است طرح مباحثی که در این مقاله آمد ، توجه استادان و محققان دانش پژوه و دانشجویان علاقه مند را به لزوم انجام مطالعات گسترده تر در زمینه سرمایه اجتماعی جلب کند .

منابع

Bain, K. and Hicks, N. (1998), Building social capital and reaching out to excluded groups: The challenge of partnerships, Paper presented at CELAM meeting on the struggle against poverty towards the turn of the Millenium, Washington D.C.

Baum, Fran(1997), Public Health and Civil Society: Understanding and valuing the connection, *Australian and New Zealand Journal of Public Health* 21(7):673-675

Brown, D. L., and Ashman, D. (1996), Participation, social capital, intersectoral problem solving: *African and Asian cases, world development*, Vol.24, No.9. 1467-1479.

Bullen.P.,and Onyx,J.(1999),Social capital: family support services and neighbourhood and community centres in NSW.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

Bullen,P.,and Onyx, J. (1998), Measuring social capital in five communities in NSW, Sydney: University of Technology and Management Alternatives.

Bourdieu, P.(1986), The forms of capital, in Richardson, ed. Handbook of theory and research for the sociology of education. Westport, CT: Greenwood Press.

Coleman, J.(1988), Social capital in the creation of human capital, *American Journal* of *Sociology*, Vol. 94,supplement, 95-120.

Cox, E.(1995), A truly civic society: Boyer lectures 1995, Sydney: ABC Books.

Cox, E.(1997), Building social capital, *Health Promotion Matter,* Vol.4,1-4.

European Commission(2000), Conceptual framework and structure of European system of social indicators, Mannheim: Centre for Survey Research and Methodology (ZUMA).

Feldman, T.R., and Assaf, S.(1999), Social capital: conceptual frameworks and emprical evidence, The World Bank, Social Capital initiative, working paper, No.5.

Fukuyama, F.(1999), Social capital and civil society, the institute of public policy, George Manson University, prepared for delivery at the IMI conference on second generation reforms.

Fukuyama, F. (1997),The end of the order, The Social Market Foundation.

Fukuyama, F. (1995), social capital and the global economy, *Foreign Affairs*,74(5),89-103.

Kawachi,I., Kennedy,B.P.,and Lochner, K .(1997), Long live community, social capital as public health, *The American Prospect*: Vol. 8 (35), 56-59.

Kawachi,I., Kennedy,B.P.,and Lochner, K., and Prothow-Stith,D .(1997), Social capital,income inequality and mortality, *American Journal of Public Health*, Vol. 87,1491-1497.

Ledeman, D.,Loyza, N., and Menendez, A. M.(1999), Violent crime: Does social capital matter? Presented at the 1999 Annual Meeting of the Latin America, Econometric Society, Cancun, Mexico.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]

Lichter, D. T., G. T. Cornwell, and D. J. Eggebeen (1994), Harvesting Human Capital: Family Structure and Education Among Rural Yout,. *Rural Sociology,* 58:53-75

Moser,C., and Holland, J.(1997), Urban poverty and violence in Jamaica, World Bank: Latin America and Caribbean Studies.

Narayan, D. (1999), Bonds and bridges: Social capital and poverty, Washington D.C., World Bank: Poverty Group.

OECD (2001), The well-being of nations: The role of human and social capital, OECD.

Paxton, P.(1999), A multiple indicator assessment: Is social capital declining in the United States? *The American Journal of Sociology*, Chichago, Vol. 105 (1), 88-127.

Pearce,D.(1993), Measuring sustainable development, London: Earthscan.

Portes,A. (1998), Social capital: Its origins and applications in modern sociology, *Annual Review of Sociology*, Vol.24.

see: http://soc.annualreviews.org/cgi/content/full/24/1/1

Putnam,R (1995), Bowling alone: American's declining social capital, *Journal of Democracy*, Vol.6 (1), 65-78.

Schuller,T., and Field, J.(1996), Social capital, human capital,and learning society, *International Journal of University Adult Education.*

http://library.usask.ca/education/adulted.html.

Woolcock, M.(1997), Social capital and economic development: Towards a theoretical synthesis and policy framework, *Theory and Society*, 00: 1-57.

World Bank (1997), Expanding the measure of wealth: Indicators of environmentally sustainable development, Environmentally sustainable development studies and monograph series, No. 17, Washington D.C.

[Downloaded from refahj.uswr.ac.ir on 2026-11-13]